

دستوری شدن تسلسلی عبارت یعنی از منظر دستور گفتمان

محمد عمو زاده

استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

اعظم نورا^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

(از ص ۷۵ تا ص ۹۳)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۳۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۵/۱۸

چکیده

این مطالعه به بررسی دستوری شدن عبارت «یعنی» از منظر دستور گفتمان پرداخته و آن را فرایندی تسلسلی در نظر می‌گیرد که شروع و خاتمه آن دستور سطح جمله و مرحله میانی آن دستور معترضه است. به عبارت دیگر، دستوری شدن کلمه «یعنی» در امتداد طیف پیشنهادی کوتوا (۲۰۱۲) پیش می‌رود که عبارت است از دستور سطح جمله < دستور معترضه > دستور سطح جمله. در واقع، عبارت «یعنی» به عنوان واحدی از دستور سطح جمله، برای کاربرد در دستور معترضه (سطح گفتمان) عضوگیری شده و لذا به یک واحد معترضه‌ای تبدیل می‌شود. این واحد معترضه‌ای، در سطح گفتمان تحت دستوری شدن قرار گرفته و به یک واحد معترضه‌ای دستوری شده، تبدیل می‌شود که عهده دار نقش‌های گفتمانی-کاربردشناختی متفاوتی است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در زبان فارسی روزمره، عبارت معترضه‌ای دستوری شده «یعنی»، از طریق عملیات تلفیق مجدد دوباره به قلمرو اصلی خود یعنی دستور سطح جمله برگشته و فرایند تسلسلی دستوری شدن آن تکمیل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: دستوری شدن تسلسلی، نقش‌نمای گفتمان، واحد معترضه‌ای، عضوگیری، تلفیق

مجدد.

۱- مقدمه

در دهه اخیر، مطالعات زیادی به بررسی نقش‌نماهای گفتمانی/کاربردشناختی^۱ پرداخته و تکامل آنها را در قالب فرایند دستوری‌شدن^۲ و یا کاربردشناختی‌شدن^۳ توصیف کرده‌اند. مقاله حاضر، توصیف جدیدی را از دستوری‌شدن یا کاربردشناختی‌شدن نقش‌نمای گفتمانی «یعنی»، در چارچوب دستور گفتمان (کالتن باخ و دیگران، ۲۰۱۱؛ هاینه و کالتن باخ، ۲۰۱۲) و دستوری‌شدن تسلسلی^۴ کوتوا (۲۰۱۲) ارائه می‌کند.

نگاهی اجمالی به کاربردهای مختلف «یعنی» در زبان فارسی روزمره نشان می‌دهد که این عنصر زبانی تحت فرایند دستوری‌شدن قرار گرفته و نقش‌های گفتمانی/کاربردشناختی متفاوتی را بر عهده گرفته است. مقاله حاضر سعی دارد تا ظهور و تکامل نقش‌نمای گفتمانی «یعنی» را تحت عملیات عضوگیری^۵ توصیف و تحلیل نماید. عملیات عضوگیری این امکان را ایجاد می‌کند تا واحدهای اطلاعاتی سطح جمله برای مقاصد سازمان بندی گفتمان مورد استفاده قرار گیرند (ر. ک. به عموزاده و آزموده، ۱۳۹۳). این مطالعه همچنین نشان خواهد داد که دستوری‌شدن «یعنی» را می‌توان فرایندی تسلسلی دانست که شروع و خاتمه آن دستور سطح جمله است. به عبارت دیگر، در نقطه شروع این فرایند، «یعنی» به عنوان واحدی از دستور سطح جمله (شبه جمله، قید) برای استفاده در سطح گفتمان، عضوگیری می‌شود. به محض انجام عضوگیری، «یعنی» به یک واحد معترضه/ی^۶ تبدیل شده و به دلیل استفاده مکرر، تحت فرایند دستوری‌شدن در سطح گفتمان قرار گرفته است. در نهایت، «یعنی» به واسطه عملیات تلفیق مجدد^۷ به قلمرو اصلی خود یعنی دستور سطح جمله برگشته و چرخه دستوری‌شدن تسلسلی آن تکمیل می‌گردد.

1. discourse/pragmatic markers/particles

2. grammaticalization

3. pragmaticalization

4. cyclic grammaticalization

5. co-optation

6. thetical

7. re-integration

۲- مبانی نظری

کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند که دستوری شدن در دو سطح متمایز زبان رخ می‌دهد: در سطح دستور جمله و دیگری در سطح دستور معترضه^۱، که نظام جداگانه‌ای است و نیازهای ارتباطی پیش آمده در موقعیت کلامی را مدیریت می‌کند. واحد تحلیل در دستور سطح معترضه، واحدهای معترضه‌ای است که معنایشان توسط نقش آنها در کلام، شکل گرفته و بیانگر اطلاعاتی هستند که به موقعیت کلامی بلافصل، مرتبط است. برخی از این واحدها به دلیل استفاده مکرر، دچار دستوری شدن می‌شوند.

کوتوا (۲۰۱۲) معتقد است که دلیل مشکل تعیین جایگاه هستی‌شناختی نقش‌نماهای کاربردشناختی و سایر تعبیراتی که حاصل دستوری شدن در سطح گفتمان هستند، این است که چارچوبی وجود ندارد که طبق آن، دستوری شدن به صورت تسلسلی، یعنی به عنوان فرایندی که هم در سطح جمله و هم گفتمان رخ می‌دهد، در نظر گرفته شود، یعنی فرایندی از نوع دستور سطح جمله < دستور سطح معترضه > دستور سطح جمله. این فرایند دربردارنده دو عملیات عضوگیری و تلفیق مجدد است. از نظر محققین دستور کلام (هاینه و دیگران، چاپ نشده؛ هاینه، ۲۰۱۳؛ کالتن باخ و دیگران، ۲۰۱۱) عملیات عضوگیری عامل ایجاد معترضه‌ها می‌باشد و دسته‌ای از معترضه‌ها نقش‌نماهای گفتمان هستند. معنای نقش‌نماهای گفتمانی ارجاعی یا مفهومی نبوده بلکه با ارجاع به موقعیت گفتمان تعریف می‌شود و لذا، با عناوین مختلفی همچون فرا ارتباطی، فرا متنی (گرنوبل، ۲۰۰۴) و فرا گفتمانی (آرویو، ۲۰۱۱) توصیف شده است.

از نظر کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱)، موقعیت گفتمان شامل شبکه پیچیده‌ای از مؤلفه‌هایی است که انحصار متقابل نداشته و عبارتند از سازماندهی متن، نگرش گوینده، تعامل گوینده- شنونده، منبع اطلاعات، زمان و مکان گفتمانی، و دانش از جهان خارج. مؤلفه‌های مذکور به خوبی می‌توانند تعابیر بکار رفته در توصیف تغییرات معنایی دخیل در دستوری شدن نقش‌نماهای گفتمانی را تبیین کنند. به عنوان نمونه، تراگوت و داشر (۲۰۰۲) در این خصوص از مفاهیمی مثل ذهنی شدن (مؤلفه نگرش گوینده) و بین‌ذهنی شدن (مؤلفه تعامل گوینده-شنونده) استفاده کرده اند.

^۱ . thetical grammar

در خصوص رابطه بین دستوری‌شدن و کاربردشناختی‌شدن، دو موضع عمده اتخاذ شده است مبنی بر این که این دو فرایند با یکدیگر متفاوتند (دفور و دیگران، ۲۰۱۰)، و این که کاربردشناختی‌شدن نوعی دستوری‌شدن است یا به عبارت بهتر هیچ کاربردشناختی‌شدنی وجود ندارد، هر چه هست دستوری‌شدن در سطوح مختلف است که نام‌های متفاوتی به آنها داده شده است (برینتون، ۱۹۹۶؛ برینتون و تراگوت، ۲۰۰۵). آنچه کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) به این مواضع افزوده‌اند این است که دستوری‌شدن در دو سطح متفاوت دستور سطح جمله و دستور معترضه، با دو پیامد متفاوت رخ می‌دهد. بعلاوه، ساز و کار اصلی که پیش نیاز دستوری‌شدن در سطح گفتمان است عملیات عضوگیری است که مقدمه ایجاد معترضه‌ها نیز می‌باشد. از نظر هاینه و دیگران (چاپ نشده)، نتیجه عملیات دفعی عضوگیری این است که حوزه معنایی-کاربردشناختی عنصر زبانی مورد نظر از محدودیت‌هایش به عنوان یک سازه نحوی آزاد می‌شود، به این معنا که معنای عنصر عضوگیری شده، دیگر با ارجاع به نقش نحوی‌اش تعریف نمی‌شود بلکه توسط محیط جدیدش یعنی توسط موقعیت گفتمان، باز تعریف می‌شود و این خود دربردارنده تغییرات نحوی و معنایی و پیچیده‌تر شدن معنای واحد اطلاعاتی عضوگیری شده و چند نقشی شدن آن می‌باشد.

۳- عضوگیری «یعنی» از سطح جمله

دستوردانان و فرهنگ نویسندگان زبان فارسی عمدتاً از دو منظر عبارت «یعنی» را تعریف کرده‌اند. فرهنگ‌های قدیمی‌تر مثل عمید (۱۳۴۲) و معین (۱۳۷۴)، «یعنی» را یک جمله فعلیه می‌دانند و برخی دیگر که تحت تأثیر رویکردهای متأخر دستور بوده‌اند (انوری، ۱۳۸۲؛ صدری و حکمی، ۱۳۸۲)، «یعنی» را قید هم دانسته‌اند.

عموزاده و نورا (چاپ نشده) با در نظر گرفتن دیدگاه فرهنگ‌نویسان مختلف معتقدند که «یعنی» تحت فرایند دستوری‌شدن قرار گرفته و معنای فرا متنی، ذهنی و بین‌ذهنی مختلفی را در سطح گفتمان عهده‌دار است. انوری (۱۳۸۲) «یعنی» را در تمام کاربردهایی که معنای «چنین معنی می‌دهد» و یا «معنی می‌دهد» دارد، شبه جمله می‌داند و مثال «نار یعنی آتش» را برای آن ذکر می‌کند ولی با این حال برای «یعنی» کاربردهای قیدی هم قائل است. اولین معنایی که فرهنگ‌نویسان مختلف برای این

عنصر زبانی در نظر گرفته‌اند ناظر به همین معناست. به عبارت دیگر، «یعنی» در این جا واحدی از دستور سطح جمله است که از نظر نحوی و نوایی در جمله تلفیق شده و معنایی مفهومی- واژگانی و تحدیدی^۱ دارد لذا، معنای آن توسط نقشش به عنوان یک شبه‌جمله یا قید مشخص می‌شود نه توسط موقعیت گفتمان.

با این حال، شواهد مختلف از کاربرد «یعنی» در زبان روزمره نشان می‌دهد که «یعنی» علاوه بر آن که توسط عملیاتِ دفعی عضو گیری از سطح جمله به سطح گفتمان منتقل شده است، به دلیل تکرار کاربردهای مرتبط با مؤلفه‌های مختلف موقعیت گفتمان، تحت فرایند دستوری شدن در سطح گفتمان قرار گرفته و به یک نقش‌نمای گفتمانی یا یک معترضه دستوری شده تبدیل شده است. همان گونه که محققانی مثل تراگوت و داشر (۲۰۰۲) و دِگاند و وندربرگن (۲۰۱۱) در مورد توسعه معنایی نقش‌نماهای گفتمان پیش بینی کرده‌اند، نقش‌نمای گفتمانی «یعنی» نیز در فرایند دستوری شدن خود در امتداد طیف‌های مختلفی همچون: غیرذهنی < ذهنی > بین ذهنی؛ و مفهومی < مفهومی-رویه‌ای/ رویه‌ای>؛ و در نهایت حوزه سطح سازه‌ای/ از بند < حوزه سطح گفتمان، پیش رفته است (عموزاده و نورا، چاپ نشده). در قسمت زیر بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از مکالمات روزمره، وبلاگ‌های فارسی و گفت‌وگوهای تلویزیونی، این تحول را از منظر دستور گفتمان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴- «یعنی»، معترضه دستوری شده

از منظر دستور گفتمان، به محض این که «یعنی» به عنوان واحدی از دستور جمله عضو گیری شده و به یک معترضه تبدیل می‌شود، معنای آن توسط شبکه پیچیده موقعیت گفتمان تعیین می‌شود. کاربرد مکرر این واژه در این حالت، آن را تحت فرایند دستوری شدن قرار می‌دهد و لذا این معترضه، همزمان چند نقش گفتمانی را ایفا می‌کند. در قسمت زیر نقش‌هایی را که معترضه «یعنی»، به واسطه دستوری شدن در سطح گفتمان (سطح دستور معترضه) در ارتباط با مؤلفه‌های مختلف موقعیت گفتمان

^۱. restrictive

کسب کرده به صورت مختصر بیان می‌کنیم و بسط بیشتر این پدیده را به مواردی اختصاص می‌دهیم که در عموزاده و نورا (چاپ نشده) مطرح نشده‌اند.

۴-۱- مؤلفه سازماندهی متن

نقش‌هایی که «یعنی» پس از فرایند عضوگیری در سطح گفتمان و قرار گرفتن تحت فرایند دستوری شدن و تحول معنایی متعاقب آن در ارتباط با سازماندهی متن کسب کرده است، فرازبانی یا پیام‌محور بوده و عمدتاً روی ویژگی‌های پیام تمرکز می‌کند. کوئیرک و دیگران (۱۹۸۵) این نقش را بدلی نامیده‌اند. نقش بدلی «یعنی» گونه‌های متفاوتی دارد که عبارتند از ترمیم (نمونه ۱)، ارائه مثال (نمونه ۲)، صورت‌بندی مجدد (نمونه ۳)، شفاف سازی (نمونه ۴)، و جمع بندی (نمونه ۵) :

(۱)... ژاپن مثلاً کشور پیشرفته‌ای است. آنجا مردها یعنی جوان‌ها هنوز وقتی میخوان سر کار برن، جلو پدر مادر تعظیم می‌کنن. (برنامه اثیر، شبکه ۳، بحث درباره خانواده)

(۲) زهرا: علی خیلی مُتَدین است یعنی رجب و شعبان را کامل روزه می‌گیره.

(۳) مزیت اصلی آموزشگاه‌ها یعنی مضرتشان اینه که رو تست تمرکز می‌کنن! (گفتگو بین دو همکار فرهنگی)

واقعیت این است که تفکیک صریح مؤلفه‌های موقعیت گفتمان و نقش‌های وابسته به آنها امکان‌پذیر نیست. در نمونه (۳)، گوینده با استفاده از «یعنی» ضمن بیان یک تقابل، گفته قبلی خود را با ارائه نقطه مقابل مفهومی آن، مجدداً صورت‌بندی می‌کند. به میزانی که «یعنی» تقابل را مطرح می‌کند بیانگر باور گوینده نیز بوده و لذا ذهنی یا فراارتباطی (مؤلفه نگرش گوینده) نیز هست. لازم به ذکر است که در تمام این نمونه‌ها، «یعنی» می‌تواند برای صورت‌بندی مجدد گفته‌های هم‌صحت (نه خود گوینده) بکار رود که در آن صورت همزمان نقش‌های فرازبانی/متنی، ذهنی و بین ذهنی را ایفا می‌کند.

(۴) خانم احمدی: من حدود ۸ سال سابقه دارم.

خانم ترابی: یعنی از سال ۸۶؟! اصلاً بهت نمی‌آد! (گفتگو بین دو همکار)

در نمونه فوق خانم ترابی با استفاده از «یعنی» علاوه بر این که گفته خانم احمدی را به طور واضح‌تر بیان می‌کند (متنی)، نگرش خاص خود را هم (تعجب) نسبت به گفته او

بیان می‌کند (ذهنی) و در عین حال با لحن پرسشی گفته خود، خانم احمدی را وادار به واکنش می‌کند (بین ذهنی واکنشی).

آخرین نقش فرازبانی «یعنی» که به مؤلفه سازمان‌بندی گفتمان مرتبط است، جمع بندی است. به عبارت دیگر، گوینده از «یعنی» استفاده می‌کند تا گفته‌های خود یا هم‌صحبت را جمع بندی نماید. در این مورد هم اگر گوینده از «یعنی» استفاده کند تا به مخاطب خود پیش‌آگاهی دهد که قصد دارد مطالب گفته شده را جمع بندی کند، این کاربرد، علاوه بر نقش متنی، نقش ذهنی و بین ذهنی هم دارد زیرا گوینده در جمع بندی کلی مطالب مطرح شده، می‌تواند دیدگاه ذهنی خود را نیز القا کرده و در عین حال با جمع بندی نکات اصلی، فهم مطالب و روند ارتباط و تعامل را تسهیل کند (بین ذهنی). مسلماً اگر این کار توسط گوینده برای جمع بندی گفته‌های مخاطب انجام شود، می‌تواند بیانگر توجه کامل گوینده به گفته‌های مخاطب باشد و درجات بالاتری از بین‌ذهنی شدن را نشان دهد. به عبارت دیگر، این نوع کاربردهای بین‌ذهنی شده، نشان می‌دهند که معترضه «یعنی»، در مسیر دستوری شدن خود مراحل زیادی را طی کرده است ولی الزاماً دستوری شدن آن متوقف نشده چون همچنان می‌تواند معانی بین‌ذهنی دیگری را کسب کند:

(۵) کارشناس برنامه: ...مردم باید حساب دخل و خرجشون رو داشته باشن، برنامه ریزی کنن، شیشه‌ها رو دو جداره کنن، تو خونه لباس گرم بپوشن یعنی صرفه جویی کنن تا بحران رو پشت سر بگذاریم. (شبکه ۴)

۲-۴- مؤلفه نگرش گوینده

معترضه دستوری‌شونده «یعنی» در مسیر تحول معنایی خود در زبان روزمره، برخی نقش‌های مرتبط با نگرش گوینده یا نقش‌های ذهنی را کسب کرده که می‌تواند بیانگر درجه بالاتری از دستوری شدن باشد. در واقع، همچنان که این واژه در مسیر دستوری شدن به پیش رفته و معانی رویه‌ای جدیدی را در ارتباط با موقعیت گفتمان کسب کرده، عهده دار انواع معانی ذهنی شده است. به عبارت دیگر، «یعنی» می‌تواند برای تأکید روی صدق محتوای یک گفته (نمونه ۶)، برای بیان ارزیابی و قضاوت (نمونه ۷)، برای بیان نگرش ذهنی گوینده نسبت به اطلاعات مورد نظر و یا نسبت به مخاطب،

و یا برای نشان دادن تعهد کمتر یا بیشتر گوینده به محتوای آنچه گفته شده است بکار رود.

(۶) مرتضی لیلا رو دوست داره یعنی واقعاً براش می‌میره!

(۷) مادر: رضوان به چیزی اهمیت نمی‌ده!

دختر: یعنی آ، رضوان اصلاً طبیعتش این جوریه، بی خیاله! (مادر و دختر در مورد عروس خانواده)

کاربرد «یعنی» در نمونه فوق علاوه بر بیان ارزیابی و قضاوت می‌تواند بیانگر افزایش تعهد گوینده به صدق گفته خود نیز باشد. به عبارت دیگر در این نمونه می‌توان این نقش نمای گفتمانی را به صورت «به نظر من، واقعیت این است که» دگرگویی کرد. بعلاوه، «یعنی» در برخی از کاربردهای ذهنی‌اش به عنوان یک تلطیف کننده^۱ عمل کرده و توان منظوری گفته قبل از خود را تلطیف می‌کند و یا به عنوان یک کاهش دهنده^۲ تهدید وجهه عمل کرده و به واسطه کمتر کردن تعهد گوینده، قدرت گفته ارزیابانه قبلی را کاهش می‌دهد:

(۸) حسین: چرا مرتضی به دخترش تذکر نمی‌ده این جوری بیرون نیاد؟

مادر: خانمش که انگار بدش نمیاد، یعنی خدا میدونه.

همچنین، این نقش نمای گفتمانی می‌تواند برای نشان دادن افزایش تعهد گوینده به صدق گفته بعدی بکار رود. در این کاربرد «یعنی» در معنای «در واقع / راستش / واقعیت این است که» استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که این کاربرد «یعنی» همزمان متنی، ذهنی و بین‌ذهنی است. به عبارت دیگر، گوینده با استفاده از این نقش نمای گفتمانی توضیح بیشتری را به گفتمان می‌افزاید (متنی) و در عین حال تعهد خود را به صدق آنچه قرار است بگوید اعلام می‌کند (ذهنی). بعلاوه، گوینده با این کار احساس صمیمیت و همبستگی بیشتری با مخاطب کرده و به او اعلام می‌کند که به دلیل این احساس همبستگی، قصد دارد نکته اصلی را بدون هیچ لقایه‌ای به او منتقل کند (بین‌ذهنی همبستگی - محور).

(۹) شهلا: چرا به محسن جواب رد دادی؟

1. softener

2. mitigator

ثنا: به هم نمی‌خوریم. یعنی آ، از قیافش خوشم نمی‌آید!

آخرین کاربرد ذهنی «یعنی»، کاربرد وجهی معرفتی است که در بردارنده استنباط تضمن است و نگرش ذهنی گوینده را در مورد اطلاعات مطرح شده بیان کند. به عبارت دیگر، گوینده از «یعنی» برای بیان نتیجه‌گیری خود از مطالب مطرح شده استفاده می‌کند. «یعنی» می‌تواند این نقش را به دو صورت گوینده-محور و شنونده-محور انجام دهد. در حالت اول، گوینده فرضیات پس‌زمینه‌ای خود را آشکارا به زبان می‌آورد اما در حالت دوم، گوینده تضمن مطرح شده در گفته قبلی شنونده را به عنوان یک نتیجه‌گیری از گفته شنونده بازگو می‌کند. به نمونه‌هایی از این دو نقش فرعی توجه نمایید:

(۱۰) شوهر: مرتضی می‌خواد ماشین رو سه شنبه بگیره مه‌ری رو ببره دکتر.

همسر: وای، یعنی باید غرغره‌های دکتر سامان رو باز هم تحمل کنم! آخه از

بس که غر زد قرار گذاشتیم کتابهاشو بعد از این همه وقت ببرم ساختمان

مرکزی تحویلش بدهم، حالا بدون ماشین که نمی‌تونم.

در نمونه فوق، همسر با استفاده از «یعنی» فرضیات پس‌زمینه‌ای خود را آشکارا به زبان می‌آورد. این فرضیات لزوماً تضمن مطرح شده توسط گفته شوهر نیست و لذا، «یعنی» در نقش استنباطی گوینده-محور بکار می‌رود.

(۱۱) آریا: مسابقه دیروز چی شد؟

پویا: آگه دروازه بانمون رو عوض می‌کردند، فوتبالمون یه چیزی می‌شد!

آریا: یعنی باختیم.

در نمونه‌های فوق گوینده آن تضمینی را که شنونده در نوبت خود مطرح کرده آشکارا به زبان می‌آورد و این تضمین علنی شده ممکن است توسط شنونده لغو شود مثلاً بگوید من این را نگفتم. در واقع، در این کاربرد «یعنی» به این معناست: «از آنچه گفتی من استنباط می‌کنم که.../ تو این قدر واضح نگفتی اما نتیجه‌ای که به آن رسیدم این است که...». در این نقش، «یعنی»، نمایه قابل رؤیت فرایند تعبیر تضمن شنونده، توسط گوینده است. این کاربرد «یعنی»، در واقع، ذهنی است زیرا گوینده نگرش ذهنی خود و برداشت شخصی خود را به عنوان تعبیر تضمن گفته هم‌صحبت، مطرح می‌کند. اما در عین حال، بین ذهنی و پیش‌انگاشتی (توضیح بیشتر در بخش ۴-۴) هم هست. به عبارت دیگر، هرچند ممکن است گوینده گفته خود را به صورت پرسشی مطرح نکند، اما در

عین حال واکنشی را از مخاطب طلب می‌کند و نوعاً این واکنش از سوی مخاطب به صورت کلامی یا غیر کلامی ابراز می‌شود. لذا، این نقش «یعنی»، بین ذهنی واکنشی است. بعلاوه، کاربرد «یعنی» در نقش استنباطی شنونده-محور، به کاربرد پیش‌انگاشتی آن هم مرتبط است زیرا گوینده بر اساس اطلاعات مشترکی که پیش‌انگاشت می‌گیرد که با مخاطب به اشتراک دارد، ضمن مطرح شده توسط مخاطب را به صورت یک استنباط علنی بیان می‌کند.

نکته جالب در مورد این کاربرد «یعنی» این است که گوینده می‌توانست در چنین بافت‌هایی از حرف ربط «پس» استفاده کرده و نتیجه‌گیری خود را بیان کند (چنین امکانی بیانگر اصل لایه بندی در دستوری شدن است). اما به نظر می‌رسد که حرف ربط «پس»، بیشتر زمانی بکار می‌رود که از گفته اول یک نتیجه منطقی استنباط شود. این در حالی است که «یعنی» زمانی بکار می‌رود که گوینده بخواهد نشان دهد که گزاره بیان شده در گفته قبل و بعد از «یعنی»، برابر هستند اما الزاماً بین آنها رابطه استلزام منطقی وجود ندارد.

۳-۴- مؤلفه تعامل گوینده و شنونده

مؤلفه تعامل گوینده و شنونده زمینه را برای ظهور نقش‌های بین‌ذهنی که روی نیازهای ارتباطی مخاطب تمرکز می‌کنند، فراهم می‌کند. اغلب می‌توان «یعنی» را در نقش‌های بین‌ذهنی‌اش با «این را می‌گوییم زیرا که ...» و «آیا فکر می‌کنی/ با من موافقی که ...»، دگرگویی کرد. به نظر می‌رسد که این نقش، بسط نقش فرازبانی شفاف‌سازی باشد زیرا گوینده با استفاده از «یعنی» دلایلی را که زیربنای گفته‌اش است، به طور شفاف و آشکار بیان می‌کند. در عین حال، این کاربرد، بین‌ذهنی هم هست چون گوینده با ارائه دلایل و یا با نظر خواستن از مخاطب، او را بیشتر درگیر تعامل کرده و به نیاز ارتباطی او توجه می‌کند. بعلاوه، «یعنی» در این کاربرد، ذهنی هم هست چون گفته قبل از آن معمولاً بیانگر دیدگاه شخصی گوینده است. همچنین، به دلیل این که «یعنی» کنش‌های تهدیدکننده و جهت مخاطب یا گوینده را کاهش می‌دهد می‌تواند نشانگر ادب و بین‌ذهنی‌نگرشی هم باشد.

قسکوآری، پرمز، و ولده (۲۰۱۲) با ارجاع به مفهوم توجه مشترک^۱ دیسیل (۲۰۰۶) سه نوع نقش بین‌ذهنی نگرشی، متنی، و واکنشی را متمایز می‌کنند. مثال‌های زیر به ترتیب این معانی بین‌ذهنی «یعنی» را در زبان روزمره نشان می‌دهد:

(۱۲) فکر نمی‌کنی وقتشه که سیگار و ترک کنی، یعنی ببین باهات چی کار کرده؟! (۱۳) یعنی نمی‌دونم این مسعود چقدر ساده است به خدا! (۱۴) نباید حقوق‌ها رو زیاد کنند، یعنی با تغییر دلار؟

با این وجود، بررسی بیشتر نمونه‌ها، کاربردهای بین‌ذهنی دیگری از «یعنی» را در زبان روزمره فارسی نشان می‌دهد که در عموزاده و نورا (چاپ نشده) مطرح نشده است. این نمونه‌ها همگی بیانگر کسب معانی بین‌ذهنی بیشتر توسط «یعنی» و دستوری شدن بیشتر این نقش نمای گفتمانی است. نمونه‌های زیر را در نظر بگیرید:

(۱۵) یعنی من گرگ بدجنس هستم. (دختر بچه ۴ ساله به همبازی‌اش می‌گوید)

(۱۶) حواست باشه، وقتی زهره اومد یعنی من هیچی راجع به نامزدش بهت نگفتم آ! در نمونه‌های فوق «یعنی» به این معناست که «بیا من گوینده و شمای مخاطب این گونه فرض کنیم که ...». چنین کاربردی اساساً بین‌ذهنی است و در عین حال همبستگی بین مشارکین در گفتمان را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، با استفاده از «یعنی» گوینده نه تنها اعلام می‌کند که اعتبار فرض مذکور به توافق هر دو ما بستگی دارد و نظر شخصی من به تنهایی نیست بلکه مؤدبانانه، فرصتی را برای مخالفت با فرضی که در گفته بعد از «یعنی» مطرح می‌شود، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در واقع، گوینده مخاطب را در تصمیم خود (که پس از «یعنی» ذکر می‌شود) شریک می‌کند و به این شکل نظر او را نیز دارای اهمیت جلوه می‌دهد و لذا «یعنی» نشانگر ادب نیز هست. این کاربرد هرچند بین‌ذهنی است اما به دلیل پیچیدگی‌هایش زیر مجموعه هیچ کدام از تقسیم‌بندی‌های قسکوآری، پرمز، و ولده (۲۰۱۲) قرار نمی‌گیرد و می‌توان آن را بین‌ذهنی همبستگی-محور نامگذاری کرد.

^۱. joined attention

کاربرد بین‌ذهنی دیگر «یعنی»، به بین‌ذهنی واکنشی بسیار نزدیک است اما توجه دقیق به بافت استفاده از آن، نشان می‌دهد که این کاربرد با جزئیات و دقایق بیشتری در بین فارسی‌زبانان همراه است.

(۱۷) یعنی مهدی بلیط گیرش اومد؟ (زن به شوهرش)

(۱۸) هستی: من دنبال دردسر نیستم مهمونی لیلا رو نمی‌آم.

سارا: یعنی ازش می‌ترسی؟

در نمونه‌های فوق، «یعنی» به معنای «آیا تو فکر می‌کنی که/آیا منظورت این است که...» می‌باشد. به دلیل این که بنا به تعریف، در این نمونه‌ها «یعنی»، واکنشی را از مخاطب طلب می‌کند، بین ذهنی واکنشی است اما ظاهراً پیچیدگی‌های دیگری هم مطرح است. مثلاً نمونه (۱۷) در شرایطی گفته شده که زن از همسرش خواسته که با توجه به ازدحام نزدیک عید، خودش برای تهیه بلیط برود اما به دلیل امتناع او فرزند آنها مهدی رفته و تأخیر دارد. ظاهراً گوینده با گفتن گفته (۱۷) به دنبال واکنش مخاطب است اما واقعیت این است که او یک کنش گفتاری غیرمستقیم را انجام داده و در لقایه پرسش، درخواست خود را مطرح کرده است. گوینده برای کاهش تحمیل درخواست خود نه تنها آن را به صورت پرسش مطرح می‌کند بلکه با استفاده از «یعنی» در معنای «آیا تو فکر می‌کنی که...» ضمن این که این فرصت را به مخاطب می‌دهد که این درخواست غیرمستقیم را رد کند بدون این که به رابطه آنها خللی وارد شود، نگرانی و احساس همبستگی خود را نیز بیان می‌کند. لذا، «یعنی» در این نقش، بین‌ذهنی نگرشی و همبستگی-محور هم هست.

در نمونه (۱۸) گوینده به جای این که نظر شخصی خود را به صورت یک جمله اعلامی مطرح کند، ترجیح می‌دهد که نه تنها از «یعنی» استفاده کند بلکه آن را به صورت پرسشی مطرح کند و این، میزان بین‌ذهنی بودن گفته او را بیشتر می‌کند. به عبارت دیگر، اگر گوینده گفته خود را به صورت اعلامی بیان می‌کرد حتی اگر از «یعنی» هم استفاده می‌کرد، صرفاً نقش ذهنی داشت و باز هم نمی‌توانست به اندازه نمونه (۱۸)، تهدید وجهه مخاطب را کاهش دهد. اما گفته سارا در (۱۸) بین‌ذهنی واکنشی، نگرشی و حتی متنی هم هست چون گوینده به وجهه خواست مخاطب توجه کرده و آنچه را که در کانون توجه اشتراکی خود و مخاطب قرار داده است، قطعی فرض نمی‌کند و به

مخاطب نشان می‌دهد که او مختار است که دیدگاه مطرح شده توسط گوینده را رد کرده و یا در صورت لزوم از خود دفاع کند. نکته جالب توجه آن است که اگر سارا گفته خود را با ادات استفهام «آیا» و یا صرفاً با لحن پرسشی بیان کند تضمن‌های فوق مطرح نخواهد شد. لذا، انتخاب «یعنی» در معنای پرسشی، کاملاً هوشمندانه بوده و به منظور تسهیل ارتباط و تعامل بکار رفته است.

لازم به ذکر است که در کاربردهای بین‌ذهنی «یعنی»، انواع نقش‌های بین‌ذهنی همزمان قابل مشاهده است و این پدیده نسبتاً کمیاب است زیرا قسکوآری، برمز، و ولده (۲۰۱۲) اعلام می‌کنند که آنها چنین عنصر زبانی که همزمان انواع نقش‌های بین‌ذهنی را ایفا کند نیافته‌اند و احتمال وجود چنین عنصری را به زبان‌های دیگر واگذار می‌کنند.

۴-۴- مؤلفه دانش از جهان خارج

کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند که از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، سه مؤلفه فوق‌الذکر در توسعه نقش نماهای گفتمانی نقش کلیدی دارند و سایر مؤلفه‌ها در ظهور سایر معترضه‌ها نقش ایفا می‌کنند. با این وجود، بررسی کاربردهای یعنی در زبان روزمره فارسی نشان می‌دهد که در برخی کاربردها، مؤلفه دانش از جهان خارج (اطلاعات کاربردشناختی) از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، برجستگی بیشتری می‌یابد و این در تحول معنایی نقش نماهای گفتمانی سایر زبان‌ها کمتر دیده شده و نویسندگان مقاله حاضر این کاربرد را پیش‌انگاشتی نامگذاری می‌کنند. مثال زیر را در نظر بگیرید:

(۱۹) خواهر: تلویزیون خراب شده.

برادر: یعنی گرون ترینش را هم گرفتیم آ!

در نمونه فوق «یعنی» در معنای «به اصطلاح» بکار رفته و خلاف انتظار بودن را می‌رساند. به عبارت دیگر، گوینده دانش مشترک خود و مخاطب از جهان را پیش‌انگاشت می‌گیرد و با استفاده از «یعنی» به مخاطب پیش‌آگاهی می‌دهد که این دانش مشترک به چالش کشیده شده است. در نمونه فوق گوینده این دانش مشترک را پیش‌انگاشت می‌گیرد که هر چیزی گران‌تر باشد می‌تواند کیفیت بهتری داشته باشد. او با استفاده از «یعنی» این تضمن مکالمه‌ای را مطرح می‌کند که بر خلاف پیش‌انگاشت

فوق، قیمت بالا را نمی‌توان ملاک کیفیت بهتر دانست. در مجموع، نمونه‌های فوق از کاربرد «یعنی» نشان می‌دهد که این نقش نمای گفتمانی در امتداد طیف زیر حرکت کرده است:

واحدی از دستور سطح جمله (شبه جمله/ قید) < [عملیات عضو گیری] یک معترضه < [دستوری شدن] معترضه دستوری شده

به عبارت دیگر، همین که عملیات دفعی عضوگیری رخ داده است، «یعنی» از دستور سطح جمله به دستور سطح معترضه منتقل شده و به یک معترضه تبدیل شده است. معترضه «یعنی»، دیگر بخشی از نحو، معنا و نوای جمله نیست و نقش آن با توجه به موقعیت گفتمان تعیین می‌شود. به مرور زمان به دلیل تکرار کاربرد در چنین بافت‌هایی، «یعنی» تحت فرایند دستوری شدن قرار گرفته و به یک معترضه دستوری شده تبدیل شده است و اصول دستوری شدن هاپر (۱۹۹۱)، هاینه و کوتوا (۲۰۰۷) و کوتوا (۲۰۱۲) در مورد آن صدق می‌کند. این اصول عبارتند از *بسط* یا *باز تعبیر مستخرج از بافت*، *معنا زدایی*، *مقوله زدایی* و *سایش آوایی*.

نکته مهم در سایش آوایی «یعنی» به عنوان یک معترضه دستوری‌شونده این است که مطابق پیش بینی کوتوا (۲۰۱۲) در مراحل اولیه دستوری شدن در سطح گفتمان، معترضه‌ها دارای استقلال نحوی یا نوایی هستند اما هر قدر با بسامد بیشتری بکار روند و همچنین هر قدر کوتاه‌تر باشند، بیشتر در گفته میزبانان تلفیق می‌شوند. به عبارت دیگر، معترضه «یعنی» هرچه بیشتر دستوری شده، کمتر توسط مکث یا آهنگ از بافت پیرامون خود جدا شده است. در مجموع، توسعه معنایی «یعنی» با الگوی دستوری شدن معترضه‌های دستوری شده، مطابقت داشته و ظهور نقش نمای گفتمانی «یعنی» را می‌توان در قالب عملیات عضوگیری و در پی آن دستوری شدن توصیف کرد.

۵- دستوری شدن تسلسلی «یعنی»

همان گونه که مطرح کردیم، کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند که فرایند عضوگیری، دستور سطح جمله را به دستور سطح معترضه پیوند داده و منجر به پیدایش معترضه‌هایی می‌شود که می‌توانند به مرور زمان تحت فرایند دستوری شدن قرار گرفته و به معترضه‌های دستوری شده تبدیل شوند. در بخش قبل نشان دادیم که «یعنی» تا

مرحله معترضه دستوری شده پیش آمده است. در امتداد آن، در این بخش نشان می‌دهیم که چگونه معترضه دستوری شده «یعنی»، از طریق عملیات تلفیق مجدد، به قلمرو اصلی‌اش یعنی دستور سطح جمله برگشته، چرخه دستوری شدن تسلسلی را تکمیل کرده و بخشی از ساختار گزاره‌ای جمله می‌شود که دیگر به موقعیت گفتمانی وابسته نیست.

در یکی از کاربردهایی که اخیراً در زبان روزمره برخی افراد شنیده می‌شود، «یعنی» به عنوان موضوعی از محمول جمله مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه زیر را در نظر بگیرید که در آن مادر و پسری در مورد سوختن دست نوه صحبت می‌کنند:

(۲۰) پسر: ای بابا، خدا رحم کرد بچه کلی وزن کم کرده!

مادر: بی فکری که شاخ و دم نداره!

پسر: که چی؟ مهری سرش به ثنا گرم بوده طه خودش رفته سر کتری!

مادر: می دونم. یعنی/ش را میگم!

در مکالمه فوق برخلاف پسر، مادر فکر می‌کند که دست بچه به دلیل بی فکری مادرش سوخته است. او برای این که کنش تهدیدگر وجهه را که مطرح کرده است، ترمیم کند و بار تحمیلی آن را کاهش دهد، فوراً در نوبت بعدی خود، از «یعنی» استفاده می‌کند. این کاربرد «یعنی» بیانگر توجه گوینده به وجهه مخاطب بوده و به برقراری توازن مجدد بین هم‌صحبت‌ها کمک می‌کند. به عبارتی، «یعنی» در این بافت معنای بین‌ذهنی دارد اما دیگر نقش‌نمای گفتمان نیست بلکه موضوعی است از محمول گفتن با این معنا که «آنچه گفتم به صورت غیر شخصی و در کل بیان شده و منظورم همسر تو نبوده است. در کل اگر انسان بی فکر باشد عواقب مختلفی دارد من جمله آسیب دیدن بچه». این کاربرد «یعنی» بیانگر تلفیق مجدد به دستور سطح جمله است. به عبارت دیگر، چنین کاربردهایی نشان می‌دهد که چرخه دستوری شدن تسلسلی «یعنی» تکمیل شده است.

در پایان این قسمت اجازه دهید نمونه‌های دیگری از کاربرد «یعنی» را بررسی کنیم که نشان می‌دهد که برخلاف عملیات عضوگیری که دفعی بوده و هر زمان می‌تواند رخ دهد، از نظر نویسندگان این مقاله، عملیات تلفیق مجدد را می‌توان در قالب

یک طیف و به صورت مدرج در نظر گرفت که تکمیل آن ممکن است سال‌ها طول بکشد. نمونه‌های زیر را در نظر بگیرید:

(۲۱) نسرین: برو راستشو به حسام بگو.

شهلا: یعنی بهش بگم باور می‌کنه؟

(۲۲) زهره: به علی نگفتی آقا مرتضی هم تو مهمونی حاج خانم هست؟

نسرین: نه، یعنی بگم مطمئنم پاشو پس می‌کشه.

(۲۳) رضوان: دیگه حالا نمی‌خوای ازدواج کنی؟ (دو همکار)

الهام: یعنی من نخوام شوهر کنم باید به همه عالم جواب بدم؟

در نمونه‌های فوق شهلا و نسرین می‌توانستند گفته خود را به ترتیب به صورت «یعنی به نظرت آیا/ تو فکر می‌کنی اگر بهش بگم باور می‌کنه؟» و «نه، یعنی راستش، واقعیت این است که اگر بگم مطمئنم پاشو پس می‌کشه» بیان کنند. با این وجود گفته‌های بکار رفته توسط آنها نشان می‌دهد که «یعنی» به همراه ساخت حاوی آن، از سطح جمله به سطح گفتمان منتقل شده است و در مراحل اولیه دستوری شدن در سطح گفتمان، همچنان با نشانگر شرطی «اگر»، طلب آشکار واکنش گوینده (تو فکر می‌کنی...؟)، و بیان آشکار تعهد گوینده به صدق گفته (راستش...) همراه بوده است. به تدریج، ساخت متضمن «یعنی»، تحت سایش آوایی قرار گرفته و فقط «یعنی» به عنوان یک معترضه دستوری شونده بین‌ذهنی واکنشی (۲۱) و بین‌ذهنی همبستگی-محور (۲۲) با معنای شرط، پرسش، و بیان تعهد باقی مانده است.

از آنجا که بیان شرط یک رابطه منطقی است که به معنای منطقی و گزاره مطرح شده توسط گفته مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که «یعنی» در این نوع کاربرد، حرکت خود را به تدریج در امتداد طیف تلفیق شدن مجدد به دستور سطح جمله آغاز کرده و آماده انتقال به سطح جمله می‌شود. نمونه‌ای مثل (۲۳) نشان می‌دهد که «یعنی» تقریباً به انتهای طیف رسیده است. در چنین نمونه‌هایی، معنای شرط، در معترضه «یعنی» به بیش‌ترین حد خود رسیده و «یعنی» در معنای «اگر» بکار می‌رود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که معترضه دستوری شونده یعنی با نقش متفاوت نشانگر شرط، به سطح جمله برگشته و می‌تواند بدون همراهی نشانگر شرطی «اگر» بکار رود. البته

یعنی یک شیوه غیررسمی بیان شرط بوده و همچنان می‌تواند در کنار نشانگرهای رسمی بیان شرط یا پرسش بکار رود (اصل لایه بندی در دستوری شدن).

۶- نتیجه

در این مقاله، فرایند دستوری شدن «یعنی» در چارچوب دستور گفتمان به عنوان پدیده تسلسلی توصیف شده است که شروع و خاتمه آن دستور سطح جمله است. در نقطه شروع این فرایند، «یعنی» به عنوان واحدی از دستور سطح جمله برای استفاده در سطح گفتمان، عضوگیری می‌شود. به محض عضوگیری شدن، «یعنی» به یک معترضه تبدیل شده و به دلیل استفاده مکرر، تحت فرایند دستوری شدن در سطح گفتمان قرار می‌گیرد و به یک معترضه دستوری شده تبدیل می‌شود. در نهایت، مطابق پیش بینی هاینه (زیر چاپ) و کوتوا (۲۰۱۲، و چاپ نشده) «یعنی» به قلمرو اصلی خود یعنی دستور سطح جمله برگشته و چرخه دستوری شدن تسلسلی آن تکمیل می‌گردد.

بعلاوه، این بررسی نشان می‌دهد که می‌توان به دسته بندی نقش‌های بین‌ذهنی متنی، واکنشی و نگرشی، بین‌ذهنی همبستگی-محور را نیز افزود. همچنین کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند در تکامل نقش‌نماهای گفتمانی بیشتر زبان‌ها، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، سه مؤلفه سازماندهی متن، نگرش گوینده، و تعامل گوینده-شنونده بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. با این وجود، این مطالعه آشکار می‌سازد که در تکامل نقش‌نمای گفتمانی «یعنی»، مؤلفه دانش از جهان خارج نیز از اهمیت برخوردار است و این بیانگر پیچیدگی نقشی «یعنی»، در مقایسه با نقش‌نماهای گفتمانی متعارف و همچنین مراحل پیشرفته‌تر دستوری شدن آن می‌باشد.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن.
- صدری، غلامرضا؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن (۱۳۸۲). فرهنگ معاصر فارسی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- عموزاده، محمد و آزموده، حسن (۱۳۹۳). جنبه‌های دستور معترضه براساس نمونه‌هایی از زبان فارسی، نشریه پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی، شماره هفتم، ۴۵-۶۷.
- عمید، حسن (۱۳۴۲). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات ابن سینا.

- Amouzadeh, M. and A. Noora. Forthcoming. Pragmaticalization of *yæ'ni* ('meaning?') in Persian.
- Arroyo, J. 2011. From politeness to discourse marking: the process of pragmaticalization of *muy bien* in vernacular Spanish, *Journal of Pragmatics*, 43: 855–874.
- Brinton, L. J. 1996. *Pragmatic markers in English: Grammaticalization and discourse functions*, Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Brinton, L. J. and E. Traugott. 2005. *Lexicalization and language change*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Defour, T. and A. Simon-Vandenberg. 2010. "Positive appraisal" as a core meaning of well: A corpus-based analysis in middle and early modern English data, *English Studies*, 91(6): 643-673.
- Degand, L. and A. Simon Vandenberg. 2011. Introduction: Grammaticalization and (inter)subjectification of discourse markers, *Linguistics*, 49(2): 287-294.
- Diessel, H. 2006. Demonstratives, joint attention and the emergence of grammar, *Cognitive Linguistics*, 17: 463-489.
- Ghesquiere, L., L. Brems & F. Velde. 2012. Intersubjectivity and intersubjectification: Typology and operationalization, *Journal of English Text Construction*, 5(1): 128-152.
- Grenoble, L. 2004. Parentheticals in Russian, *Journal of Pragmatics*, 36(11): 1953–1974.
- Heine, B. in press. *Discourse markers*.
- Heine, B., G. Kaltenböck & T. Kuteva. Forthcoming. On the evolution of final particles, In S. Hancil (ed.), *The role of affect in discourse markers*, Rouen: PURH.
- Heine, B. 2013. On discourse markers: Grammaticalization, pragmaticalization, or something else, *Linguistics*, 51(6): 1205-1247.
- Heine, B. and G. Kaltenböck. 2012. *The situation of discourse: evidence from discourse markers*, Unpublished Manuscript.
- Heine, B. and T. Kuteva. 2007. *The genesis of grammar: A reconstruction*, Oxford: Oxford University Press.
- Hopper, P. J. 1991. On some principles of grammaticalization, In E. Traugott and B. Heine (eds.), *Approaches to grammaticalization* (17-36), Amsterdam: John Benjamins Publication Company.
- Kaltenbock, G., B. Heine and T. Kuteva. 2011. On thetical grammar, *Studies in Languages*, 35 (4): 848-893.
- Kuteva, T. Forthcoming. *On grammaticalization theory and grammatical categories*.

Kuteva, T. 2012. On the cyclic nature of grammaticalization, In: L. Ik-Hwan and A. Sung-Ho (eds.), *Issues in English linguistics*, WCSEL-1, Seoul: Hankookmunhwasa.

Quirk, R., G. Sidney, L. Geoffrey, and S. Jan. 1985. *A comprehensive grammar of the English language*, London and New York: Longman.

Traugott, E. and Dasher, R. 2002. *Regularity in semantic change*, Cambridge: Cambridge University Press.

